

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال دوازدهم
شماره ۱۳۷ مرداد ماه ۱۳۹۰ - اوت ۲۰۱۱

برگزاری کنگره شکوهمند حزب کمونیست کارگران تونس

پیروزی بزرگی برای مارکسیسم لنینیسم

در تاریخ ۲۲ تا ۲۵ ژوئیه سال ۲۰۱۱ نخستین کنگره حزب کمونیست کارگران تونس، بعد از بیست و شش سال زندگی مخفی، در شرایط علنی به پاس انقلاب مردم تونس، در بهار آزادی ممالک عربی شمال آفریقا برگزار شد.

حزب کمونیست کارگران تونس توانست در این دوران از مبارزه بر ضد رویزیونیسم که جنبش کمونیستی را بویژه در ممالک عربی با رهنمودهای روسهای خروشچی-برژنفی به نابودی کشانید، از مبارزه با رژیمهای حاکم ارتجاعی در تونس و از جمله زین العابدین بن علی سربلند بیرون آید و با... ادامه در صفحه ۳

پیام حزب کار ایران (توفان) به کنگره حزب کمونیست کارگران تونس.

شادباشهای صمیمانه خلق و طبقه کارگر انقلابی ایران را بپذیرید.
حزب کار ایران (توفان) پیروزی انقلاب مردم تونس بر ضد امپریالیسم و نوکر دست نشانده اش دولت زین العابدین بن علی و تلاش برای استقرار یک نظام دمکراتیک در تونس را به طبقه کارگر تونس و به حزب برادر خود حزب کمونیست کارگران تونس تبریک می گوید. مردم ایران و طبقه کارگر ایران با... ادامه در صفحه ۵

نقش آگاهی و روحیه سندیکائی

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب
در ایران که امنیتی وجود ندارد همه از آینده خویش بیمناکند. عدم احساس امنیت شغلی در میان اکثریت قریب به اتفاق کارگران از همه طبقات و اقشار دیگر بیشتر است و این یکی از موانع اساسی و مشکل واقعی کارگران است که اجازه نمی دهد آنها به فکر ایجاد تشکلات مورد نظر خود باشند. سیاست رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی تقویت این وضعیت و گرسنه نگهداشتن... ادامه در صفحه ۶

اصولیت انقلابی و نان به نرخ روز خوردن اسلامی

قدیمی ها می گفتند آنچه بخود نمی پسندی بدیگران نپسند و یا پشت سر کسی سخنانی بر زبان نیاور که قادر نباشی آنها را در پیش رویش نیز بازگو کنی. همین سخنان را کانت فیلسوف آلمانی عصر روشنگری به این صورت بیان کرده است: چنان باش که بتوانی بهر کسی بگوئی (کانت).
... ادامه در صفحه ۶

پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان) بعد از کنگره چهارم حزب

سیر تحولات جهان بسیار شتابان است. سرعت این تحولات چه در داخل ایران و چه در عرصه بین المللی، حزب ما را بر آن می دارد که به سرعت و واکنش نشان دهد و برای رهنمائی رفقای حزبی و توده های مردم رهنمودهای خویش را به موقع منتشر کند. برای این کار لازم است که رفقای رهبری بطور پیگیر مسایل ایران و جهان را تعقیب کرده و سایر رفقا را با تحلیلهای خویش و در عین حال با مشکلاتی که در پیش پای حزب بروز می کند، درگیر کنند و آنها را در جریان بگذارند. حزب باید همواره به آخرین سلاح تحلیل و برداشت ما از مسایل در جریان یک بحث رفیقانه و مسئولانه کمونیستی مجهز شود.
... ادامه در صفحه ۹

جنایت در نروژ، ادامه منطقی سیاست اسلام ستیزی و قرآن سوزی

در روز نماز جمعه این هفته در تاریخ ۲۲/۰۷/۲۰۱۱ نه در یمن، نه در سوریه، نه در بحرین، بلکه در قلب اسکاندیناوی در پایتخت کشور مرفه و لیبرال نروژ، در شهر اسلو که بیست سال پیش در آنجا قرار داد صلح اسلو را به فلسطینی ها تحمیل کردند، بمبی در مرکز شهر، مقابل ادارات دولتی منفجر شد که در جا ۸ نفر را به هلاکت رسانید و یاد آور گذرا از بمبهای پرتاب شده به طرابلس بود. سپس در یک ساعت بعد در یک جزیره تفریحی به اردو گاه جوانان سوسیال دموکرات که در میان آنها بسیاری نروژیهای خارجی تبار بوده اند حمله شد و بیش از ۸۴ نفر را به قتل رساندند.

متهم فوراً پیدا شد. "اسلام سیاسی" و سازمان القاعده. فوراً در اخبار پای مسلمانان را به میان کشیدند و مدعی شدند که گروه های ترور معمر قذافی در این کار دست دارند. نشریه صهیونیستی نیویورک تایمز فوراً خبر داد که مسئولیت این ترور را گروه انصار الجهاد العلامی را بعهده گرفته است. حقیقتاً انسان از این همه سرعت عمل در شگفت می ماند، مثل اینکه آنها از اخبار انفجار قبل از انفجار آگاه بوده اند. فوراً استدلال کافی و عوام پسند نیز پیدا شد. نروژ در عملیات ناتو در افغانستان شرکت... ادامه در صفحه ۲

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

جنایت درنروژ...

دارد و از تجاوز ناتو به لیبی حمایت نموده و در حمایت از آزادی بیان یک روزنامه نروژی به تجدید چاپ کاریکاتور محمد از کاریکاتوریست روزنامه "ایلند پستن" دانمارکی مبادرت ورزیده بوده است. اخبار تلویزیونهای ممالک امپریالیستی مملو از انفجارهای انجام شده در آمریکا و پایتختهای اروپایی و بر ضد مسلمانان بود. موجی از نفرت علیه مسلمانان در عرض چند ساعت ایجاد شد.

روبه مکاری بنام اوباما فوراً بدون بررسی و انتظار نتایج تحقیقات "تروریسم" را محکوم کرد و تلویحا آنرا به پای مخالفین آمریکا نوشت.

چند ساعت بعد، "خدا را شکر" معلوم شد که قاتل یک جوان ۳۲ ساله چشم آبی و مو بلوند نروژی با اعتقادات متعصبانه مسیحی بوده که با تفکر فاشیستی و ضد اسلامی بار آمده بوده است. باید گفت، حزبی که ایشان هوادار آن در نروژ است، ۲۰ درصد آراء را در انتخابات قبلی با تبلیغات نژادپرستانه و فاشیستی بدست آورد.

حال حسابها بطور کلی بر هم خورد. ده ها شاهد وجود داشت که قاتل را از نزدیک دیده بودند. سمت تبلیغات بیکیاره برگشت و تمام دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی-صهیونیستی حال تلاش می کنند، تمام کاسه کوزه ها را بر سر یکی دو نفر آدمهای مالیخولیائی که ظاهراً بجائی وابستگی نداشته اند و اعمالشان ماهیت انفرادی دارد بشکنند.

ولی واقعیت چیز دیگریست. این فرد ۳۲ ساله نروژی هرگز نژاد پرست زائیده نشده است. وی خود قربانی تبلیغات فاشیستی ضد اسلامی در اروپا و آمریکاست. چندین تن مواد منفجره ای که وی بکار گرفته است، گلوله هائی که در شلیک کرده است این طور نیست که در مزرعه وی ساخته شده است. آنها در قالب کاریکاتور روزنامه "ایلند پستن" دانمارکی، در نمایشات اعتراضی برای بنای مساجد مسلمانان در شهرهای اروپا، در تحریکات فاشیستی نسبت به حاملین حجاب اسلامی در فرانسه، در سخنرانی ها و حمایت از سازمانهای مروج و مشوق نفرت ضد مذهبی نظیر سازمان مسلمانان سابق، در آتش زدن قرآن و... ساخته شده است. سالهاست از زمان ساموئل هانتینگتون در قالب برخورد تمدنها، نفرت ضد مسلمانان تبلیغ می شود، تا بتوان نیروهای رهائی بخش را که بر ضد اشغال کشورشان و برای رهائی ملی مبارزه می کنند با اتهام "تروریست" قتل عام کرد. بر اساس همین تبلیغات فاشیستی و ضد اسلامی است که نیروهای دست راستی موفق شدند در دانمارک، هلند، سوئد بر سر کار آیند و تعداد آراء خویش را در سایر ممالک سرمایه داری امپریالیستی با دامن زدن به نفرت ملی و توجیه کشتار قومی افزایش دهند. بر اساس همین

تبلیغات است که مشتی نژادپرست، وقتی اسرائیل نوار غزه را بمباران می کند و هزاران فلسطینی اسیر را می کشد، برای اسرائیل در خفا دست می زنند که بنیادگراها را سر به نیست کرده و از هر طرف کشته شود برای ما مثبت است. این فرد نروژی خودش قربانی این سیاست شستشوی مغزیست و امثال وی چون بمبهای خفته حداقل از زمان جرج بوش در حال پرورش و رویشند و در میان ما انسانها بویژه در قلب اروپا و تمدنهای غربی مانند بمبهای بالقوه حرکت کرده و زندگی می کنند.

حزب ما به مناسبت آتش سوزی قرآن در توفان شماره ۱۲۸ آبان ماه ۱۳۸۹ نوامبر ۲۰۱۰ در ارگان حزب کار ایران (توفان) نوشت:

"جشن کتابسوزان که باستناد آزادی بیان صورت می گیرد، طبیعتاً نقض غرض است و نمی تواند، این گونه تفسیر مورد تردید قرار نگیرد. این اقدام، مانند آن می ماند که کسی به استاد آزادی بیان، جلوی آزادی بیان سایرین را بگیرد. **تاریخ نشان داده که فاصله میان کتابسوزی و اندسوزی فقط یک گام است.**

کتابها را که سوزاندی و کسی دم بر نیآورد، می توان معتقدان به آن کتابها را نیز با خیال راحت از سر راه برداشت. **کتابسوزی مقدمه اندسوزی است.** ولی آیا می شود بیش از یک میلیارد انسان مسلمان را که به قرآن اعتقاد دارند با بمبهای خوشه ای، فسفری، میکروبی، شیمیائی و آغشته به رادیو آکتیو و... به قتل رسانید؟ پاسخ به این پرسش مسلماً منفی است. دوران جنگ صلیبی به پایان رسیده است و برای بشریت راه گشا نیست."

ولی بمب در اسلو و دامنه خسارتی که یک فرد مملو از نفرت ضد مسلمانی ببار آورد یادآور کوچکی از بمبهای است که صهیونیستها در نوار غزه و لبنان می ریزند و پیمان تجاوزکار ناتو بر سر مردم در طرابلس و سایر تجاوزگران ضد بشر برهبری آمریکا در عراق و افغانستان بر سر مردم عادی می ریزند. آنچه را که مردم اسلو تنها در مرکز شهر دیدند و وحشت زده گشتند، مردم ممالک مسلمان هر روز و هر شب شاهد آن هستند. خسارتی که این عملیات نظامی در طی ده ها سال ببار آورده با دامنه تاثیرات بمب کوچکی که در اسلو ترکیده است قابل مقایسه نیست. جنایات صهیونیستهای اسرائیلی در قتل عام مردم در محاصره نوار غزه، یک جنایات ضد بشری بوده که دارند پرونده اش را لاپوشانی می کنند. کسی دیگر از این جنایت سخن نمی راند. جنایت یک فرد مسیحی نروژی مملو از نفرت ضد خارجی و ضد مسلمانی را وسیله ای کرده اند، تا تمام جنایاتی که در عراق و افغانستان و لبنان و لیبی و فلسطین و بحرین بر ضد مسلمانان و نهضت‌های رهائی بخش صورت می گیرد در پرده بکشانند. بورژوازی امپریالیستی-صهیونیستی که با تبلیغات خویش ده ها سال است که به شستشوی مغزی در

غرب مبادرت می ورزد، تیر زهرآگینی را رها کرده است که امروز بر سینه خودش نشسته است. و این تازه آغاز کار است. ماری را که ارتجاع جهانی در آستین پرورنده بود امروز بخودش نیش می زند.

این کشتار ضد انسانی بدست یک نروژی متعصب مسیحی نژادپرست و بر ضد افکار نیروهای دموکرات، چپ و کمونیست در نروژ انجام شده است و حزب ما آنرا بشدت محکوم می کند، ولی می توان چهره یک خانواده مسلمان را در نروژ و یا در سایر ممالک اسکاندیناوی تصور کرد که در عین احساس انزجار از این عمل غیر انسانی، خوشحالند که پای مسلمانی در میان نبوده است، وگر نه قتل عام مسلمانان در ممالک "متمدن" و "بشردوست" غرب که گویا دموکراسی در کشورشان "نهاده" شده است، در دستور کار قرار می گرفت. مسلمانی را پیدا نمی کردید که جرات داشته باشد کودکانش را برای تحصیل به دبستان بفرستد.

این اقدام یک نروژی چشم آبی و مو بلوند که افکار ضد اسلامی دارد، اندیشمندان صهیونیست و امپریالیست را دچار مشکل می سازد تا عملیات تروریستی راه از این ببعده، بدون در دست انداز افتادن، به دین اسلام مربوط سازند. تا کنون آنها با تبلیغات مسموم در باره عملیات انتحاری در سرزمینهای اشغالی، وسیله ای ساخته بودند، تا اشغال ممالک غیر را توجیه کنند و جنایات گسترده، عمیق و دامنه دار و مداوم خویش را در پس یک عملیات انتحاری ناموفق و یا از روی ناچاری انتحاری با دستاوردهای کم ببوشانند.

حال یک اروپائی بمب بدست و مسلسل به شانه با تئوریهای نژاد پرستانه و ضد اسلامی با اعتقاد شدید مذهبی به میدان آمده و همه تئوریهای ارتجاعی این اندیشمندان را که مردم را شستشوی مغزی می دادند و عملیات انتحاری و کشتن مردم غیر نظامی را بیای اسلام می نوشتند، بهم ریخته است.

شلیک گلوله های این نروژی هوادار آتش زدن قرآن و تکثیر تصاویر کاریکاتور محمد و مخالف بنای مسجد مسلمانان، وجدان بسیاری از مردم اروپا را بیدار خواهد کرد که تبلیغات نفرت مذهبی و ضد اسلامی چه عواقب خطرناکی دارد. صدای این گلوله ها بسیاری را تکان داد تا از خواب غفلت، ناشی از شستشوی مغزی بدر آیند.

حزب ما در توفان ۱۲۸ در رابطه با مبارزه علمی بر ضد مذهب اعم از اسلام، یهودیت و یا مسیحیت نوشت: "واقعیت مذاهب بیانگر نادانی عمومی است. هرچه بشریت به آموزش و علم بیشتر دسترسی پیدا می کند، از دامنه نفوذ مذهب کاسته می شود. مذهب در زمینی رشد می کند که کود آن بی سوادی و عقب ماندگی است. مذهب دواى درد همه نادانستنیهاست، بذر مذهب در زمین جهل کاشته می شود و... ادامه در صفحه ۳"

و حق شرکت در جلسات کنگره که نیمه علنی و با احتیاط و رعایت پنهانکاری برگزار می شد برخوردار نبودند.

از طرف احزاب برادر پیمایی به نمایندگی رفیق رانول مارکو عضو حزب کمونیست اسپانیا خطاب به کنگره ارائه شد. پیام احزاب برادر در طی کنگره قرائت گردید و در جلسات افتتاحیه و در جشن پایانی کنگره سایر مهمانان خارجی نیز پیامهای خویش را به میزبانان و مردم حاضر ارائه کردند.

حزب کمونیستی انقلابی ترکیه، حزب کمونیست کارگران دانمارک، حزب کمونیست کارگران فرانسه، پلاتفرم کمونیستی نروژ، تشکیلات برای احیاء حزب کمونیست یونان، سازمان برای بازسازی حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست-لنینیست)،

حزب کار دومینیک، حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست-لنینیست)، حزب

کمونیست کلمبیا (مارکسیست-لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی ولتا، حزب کمونیست

شیلی (مارکسیست-لنینیست)، حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست-لنینیست)، حزب کمونیست

انقلابی برزیل، حزب کمونیست ونزوئلا (مارکسیست-لنینیست)، حزب

کمونیست بنین، حزب کار ایران (توفان) یا خود در کنگره شرکت داشتند و یا برای کنگره پیامهای تبریک و همبستگی ارسال داشته بودند.

در کنگره گزارش کنگره که به زبان عربی



قرائت می گردید همزمان به زبانهای فرانسه، اسپانیایی، انگلیسی و آلمانی برگردانده می شد. کنگره بسیار سازمانیافته و خوب برگزار شد.

در راس مهمانان خارجی نمایندگان **جبهه خلق برای آزادی فلسطین** که از رامله و نوار غزه

آمده بودن، حضور داشتند. شرکت کنندگان در کنگره یکپارچه بپا خاستند و با شور و شوق

فراوان حمایت خویش را از مبارزات مردم فلسطین بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم ابراز

داشتند. نمایندگان فلسطین، پرچمهای فلسطین و تونس را به اهتزاز در آوردند و همبستگی

خلقهای و کمونیستها را در مبارزه رهایی بخش ملی به نمایش گذاردند. نمایش شکوهمند

مردم و طبقه کارگر تونس بیان این نظریه درست و تأیید آن است که باید از مبارزه

رهایی بخش مردم فلسطین بر ضد دشمن جنایتکار و اشغالگر یعنی صهیونیسم اسرائیل

دفاع نمود. این ... ادامه در صفحه ۴

بودند و در میان مردم حضور نداشتند. تلاش این رویونیستها این است که با پرووکاسیون و ادامه سیاست خیانت طبقاتی به انقلاب تونس، ضربات خویش را به انقلاب از سوی "چپ" و راست وارد آورند و در عمل همدستان بقای رژیم زین العابدین بن علی هستند. از هم اکنون



ما شاهد تحریکات عوامل رژیم سابق که در حکومت وجود دارند و تلاش می کنند تسلط

مجدد خود بر اوضاع را با دامن زدن به خرابکاری، دزدی، تجاوز به حقوق مردم

توسط باندهای سیاه و و عملیات مشکوک برقرار سازند، هستیم. رهبران حزب کمونیست

کارگران تونس بارها اعلام کرده اند، بن علی ساقط شده ولی رژیم ارتجاعی طبقات حاکمه

در تونس بر سر قدرت باقی مانده است. **دیکتاتور رفته ولی دیکتاتوری باقی مانده**

است. هدف طبقات ارتجاعی حاکمه ایجاد فضائی مملو از سوء ظن و فقدان امنیت است

تا بتواند تسلط و بکارگیری ابزار سرکوب را توجیه کند و انقلاب را در نیمه راه متوقف نماید.

کنگره حزب برادر ما در تونس در بزرگترین سالن ورزشی پایتخت بنام قصر ورزش با بیش

از ۴۰۰۰ هزار نفر شرکت کننده افتتاح شد. پرچمهای سرخ داس و چکش در همه جا به

اهتزاز در آمده بود. سرود پر افتخار انترناسیونال در فضای سالن طنین می انداخت.

صدها نفر جوانان دختر و پسر تونسی اعضاء سازمان جوانان تونس به شادی و پایکوبی و

خواندن سرودهای انقلابی مشغول بودند. زنان با حجاب که با آنها همکاری می کردند در

سالن حضور داشتند. در کنگره حدود ۲۵۰ نفر نمایندگان طبقه کارگر تونس از شهرهای

مختلف تونس شرکت کرده بودند. دو دسته مهمانان خارجی دعوت شده بودند.

رفقای احزاب برادر- اعضاء کنفرانس احزاب و سازمانهای مارکسیستی-لنینیستی- که حزب

کار ایران (توفان) با هیات نمایندگی خود در میان این گروه بود و مهمانان سایر احزاب و

سازمانها و شخصیتهای مترقی که از دوستداران انقلاب مردم تونس و از حامیان

حزب کمونیست کارگران تونس در جهان هستند. اعضاء احزاب برادر حق داشتند در

بحثهای کمسیونها و کنگره فعالانه شرکت کرده و اظهار نظر کنند و در تمام فعالیتها کنگره

شرکت داشته باشند. سایر مهمانان از این حق

جنایت درنروژ...

می روید و لذا تنها با این ارزیابی ریشه ای است که می توان راه مبارزه با مذهب به عنوان افیون توده ها را پیدا کرد.

در مبارزه با مذهب نمی توان به زور اسلحه متوسل شد و با قهر و اجبار مردم را وادار کرد از تعلقات مذهبی و اعتقادات دینی خویش

دست بردارند. این اعتقادات ریشه چند هزار ساله در میان مردم دارند و زمینه های مادی

برچیدن آن که بدرجه آگاهی عمومی نیاز دارد هنوز بطور کامل فراهم نشده است. این است

که شمشیر کشیدن بر روی مذهب و از جمله مذهب اسلام دواى درد نیست و نظر کسی را

نسبت به اسلام تغییر نمی دهد برعکس منجر به آن می شود که مسلمانان و نه تنها مسلمانان

حتی اتباع لامذهب این ممالک نیز خود را مورد تعرض و تهاجم حس کنند و در مقابل

یورش دشمن مذهبی که در حقیقت انگیزه سیاسی را بیدک می کشد، جبهه گیری کرده به

یورش متقابل دست زنند."

این نظریه حزب ما هنوز به قوت خود صادق است و ما بار دیگر شاهدیم که دست راستی

ها، فاشیستها، نژادپرستان در کنار ضد مسلمانان ایستاده اند تا دست در دست هم حقوق

آنها را بنام دموکراسی و آزادی پایمال کنند. گلوله های این تروریست جانی نروژی به قلب

این فاشیستها و همدستان صهیونیستها نیز اصابت کرده است.

مسئولیت جناباتی که در نروژ انجام شده مستقیماً به گردن سیاست ضد خارجی، ضد

اسلامی و نژادپرستانه و سیاست تجاوزگرانه و اشغالگرانه در عرصه جهانی است. مسئولیت

آن بعهد امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بورژوازی بومی همین ممالک است. برای

نابودی تروریسم باید امپریالیسم را از بین برد.

برگزاری کنگره شکوهمند...

نفوذ در میان اتحادیه های کارگری و توده های خلق مهر خویش را بر انقلاب تونس

بکوبد و بیکی از نیروهای مهم و قابل احترام انقلاب مردم تونس بدل شود. نقش حزب

کمونیست مارکسیست-لنینیست تونس بهیچوجه دیگر قابل انکار نیست.

حزب کمونیست کارگران تونس تنها حزب قدرتمند کمونیستی است که از منافع عموم خلق

تونس برای تکمیل انقلاب دموکراتیک و بویژه از منافع پرولتاریای تونس در این مرحله از

انقلاب و پیشرفت به سمت سوسیالیسم حمایت کرده و این خواستها را نمایندگی می کند.

گروهکهای ناچیز دیگر "کمونیستی" در اثر خط مشی های رویونیستی بکلی مضمحل

شده و یا در انزوای کامل بسر می برند. آنها در عرصه مبارزه و انقلاب مردم تونس در

دوران خفقان و در آستانه انقلاب بکلی غایب

صهیونیسم یعنی نژادپرستی، همدست امپریالیسم

رفیق همای در گزارش خود به خواست حزب برای تغییر قانون اساسی تونس اشاره کرد که در این قانون اساسی نه تنها باید حقوق دموکراتیک، بلکه خواسته‌های اجتماعی برای تحقق عدالت اجتماعی نیز منظور شود. رفیق همای بیان کرد که انقلاب دموکراتیک مردم تونس به همه خواسته‌های خویش، اگر ما موفق نشویم وحدت مبارزه بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم را در این اسناد بازتاب دهیم، نرسیده است.

رفیق همای اشاره کرد که نظام بن علی هنوز دست نخورده باقی مانده است و ارتش در دست طبقه حاکمه، حکم ادامه سیاست تسلط طبقاتی وی را دارد. ما با یک رژیم ضد انقلابی روبرو هستیم که می‌کوشد با هر وسیله‌ای جلوی پیشرفت انقلاب را بگیرد. رژیم تلاش می‌کند، جلوی تاسیس مجلس موسسان و انتخابات آزاد را بگیرد و مرتب آنرا به تأخیر می‌اندازد باین جهت وی مردم تونس را فرا خواند که خود را برای شرکت در یک انتخابات گسترده آماده گردانند. نفس برگزاری انتخابات و شرکت وسیع مردم در آن کمک به امر پیشبرد انقلاب است. نیروهای مذهبی در تونس با این خواست موافقت و تلاش‌های رژیم حاکم را برای ممانعت از برگزاری یک انتخابات واقعی را به نقد می‌کشند. حزب ما این خواست را تقویت سیاست و خواست خودش ارزیابی می‌کند. وی در عین حال مخالفت خویش را با یک جمهوری اسلامی و استقرار قوانین فقه اسلامی در تونس اعلام داشت. همای اشاره کرد که سیاستی را که رژیم حاکم به بهانه حمایت از حکومت غیر مذهبی در پیش گرفته است، کار را در تونس به وضعیت الجزایر می‌کشاند که فاجعه آمیز است. حزب کمونیست کارگران تونس خواهان انتخابات آزاد و دموکراتیک با بسیج افکار عمومی و تصویب آن چنان قانون اساسی دموکراتیکی است که عدالت اجتماعی در آن منظور شده باشد، دین از دولت جدا باشد، تساوی حقوق زن و مرد برسمیت شناخته شده



باشد، و بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم نظر روشن داشته و از جنبش فلسطین دفاع کند. روح این مطالب باید در قانون اساسی جدید منعکس شود. حزب کمونیست کارگران تونس برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را در کنگره به تصویب رسانید. از جمله اینکه حزب، مخالف آن است که دولت به ابزار سیاست شرکت‌های... ادامه در صفحه ۵

تحریکات در اتحادیه‌های کارگری مانع از آن شود که یک اتحادیه متحد و مشترک کارگری که با اراده واحد از حقوق همه کارگران دفاع کند ایجاد شود. رفقای حزب کمونیست کارگران تونس به درستی بیان می‌کنند که در کشور ما تضاد عمده با نیروهای اسلامی نیست با دیکتاتوری حاکم مسلح و قدرت سیاسی کنونی است. حزب کمونیست کارگران تونس از شرکت در کمیسیون پیشبرد انقلاب؟! که آنرا کمیسیونی فرمیستی برای کنار آمدن با هیات حاکمه ارزیابی می‌کند سرباز زدند. دشمنان کمونیستها در مناطق دهقانی تلاش می‌ورزند که دهقانان را علیه حزب کمونیست کارگران تونس با تکیه به تعصبات مذهبی و اینکه کمونیستها بی‌خدا و کافر هستند، بشورانند. در این تبلیغات طبقه حاکمه مسلح نقش تعیین‌کننده را دارد.

رفیق همای عضو رهبری حزب کمونیست کارگران تونس در گزارش مشروح کار خود، به فعالیت‌های حزب در دوران ۲۶ سال کار مخفی و مشکلات آن اشاره کرد. در این دوران انشعاباتی در حزب صورت گرفت که در کنگره فعلی بسیاری از جدانشدگان سابق چه به صورت فردی و چه به صورت تشکیلاتی به حزب پیوسته و حزب واحد کمونیست کارگران



تونس را تقویت می‌کنند. این تجربه تونس باید برای کمونیست‌های ایران آموزنده باشد و از آن برای تقویت حزب کار ایران (توفان) به عنوان تنها حزب مارکسیست لنینیست ایران که از ساختمان سوسیالیسم در شوروی لنینی-استالینی و گذشته پرافتخار جنبش کمونیستی در ایران و جهان حمایت می‌کنند آموزش بگیرند.

وی اشاره کرد که گذار از کار مخفی در شرایطی که دموکراسی کامل در کشور مستقر نشده به کار نیمه علنی و کار علنی با مشکلات فراوان روبروست و در عمل کار حزب را دچار مشکل می‌سازد. از جمله اینکه کادرهای با تجربه و قدیمی و مخفی حزب در زمان گذشته چهره‌های ناشناخته‌ای برای مردم هستند در حالیکه جوانانی که در دوران انقلاب به حزب پیوسته و به کار توده‌ای و تبلیغاتی در میان مردم دست زده‌اند و از تجربه کافی و دانش تئوریک بحد کافی برخوردار نیستند، از پایگاه‌های توده‌ای برخوردارند و بیشتر مورد اعتماد مردم قرار دارند. این وضعیت می‌تواند اگر بدرستی حل نشود به حزب و رهبری مردم طبیعتاً صدمه زند.

برگزاری کنگره شکوهمند...

همبستگی دست ردی بر سینه تئوریهای ارتجاعی صهیونیسم ساخته‌ی مبارزه "علیه دو قطب، هم علیه صهیونیسم و هم علیه اسلام سیاسی و تروریسم" است (بخوانید مبارزه انقلابی همه خلقهای جهان بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم-توفان).

حزب بسیاری از زندانیان سیاسی در زمان دیکتاتوری را به عنوان مهمانان رسمی حزب به کنگره دعوت کرده بود و از آنان بخاطر



مبارزاتشان تجلیل به عمل آورد...

در میان مهمانان خارجی چهره‌های زیر به چشم می‌خوردند. جبهه خلق برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست لبنان، حزب کار بلژیک، حزب مبارز جدید، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست یونان، حزب کارگران یونان، حزب کمونیست مارکسیست لنینیست آلمان، گروه کار آینده از آلمان، گروه های هوادار انقلاب تونس از پرتغال، از مصر و مراکش و سوریه، اتحادیه کارگران تونس. حزب کمونیست بنین، حزب کمونیست ساحل عاج، نماینده کارزار ضد امپریالیستی در اتریش. در عین حال خبرگزاریهای جهان در زمان برگزاری کنگره و جشن حزب شرکت داشتند و گزارشات فراوانی از فعالیت‌های حزب کمونیست کارگران تونس منتشر نمودند.

این سیاست حزب برادر از پختگی و هشیاری حزب حکایت می‌کند، زیرا حزب بدرستی می‌فهمد که در شرایط کنونی جهانی و کشور، باید به غیر از رفقای کمونیست و دوستان پایدار حزب، هاله‌ای از هواداران و نیروهای مترقی و یا جریانهایی که آمادگی کمک به حزب و تبلیغ مواضع آنرا دارند، بدور خود چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی جلب کرد. این هاله به ایجاد یک جبهه عمومی دموکراتیک حفاظتی از حزب منجر می‌شود که ضربات دسیسه‌های دیکتاتوری حاکم را به حزب تا حدود بسیاری دفع می‌کند. حزب بدرستی می‌بیند که دیکتاتوری تلاش دارد هوادارن احزاب اسلامی را که در تونس بیشتر با لیبرالیسم فرانسوی عجین شده‌اند و با اسلامیتهای افراطی تمایز دارند بر ضد کمونیستها تحریک کرده و آنها را به جان حزب کمونیست کارگران تونس بیفکنند. با ایجاد اختلاف مانع از برگزاری انتخابات گسترده برای تدوین قانون اساسی شود و با

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستی مبارزه ضد امپریالیستی

درجه و عمق سیر تحولات در آفریقای شمالی و ممالک مسلمان بدل شده است. هر پیروزی شما پیروزی ما نیز هست.

حزب کمونیست کارگران تونس با مبارزه خویش، سیاست مونیانه امپریالیسم را که مبارزه دموکراتیک و رهائی بخش مردم در ممالک اسلامی را با "تروریسم" همدیف می کند و تلاش می کند با اتهام "تروریسم" آنها را منزوی و سرکوب نماید، افشاء کرده و نشان داد که منظره سیاسی جهان نه مبارزه میان باصطلاح "تروریسم اسلامی" با "تمدن" آمریکائی، نه "درگیری تمدن"ها، بلکه نبرد سهمگین میان ستمکشان و ستمگران است. نبردی که در یک طرف آن خلفا و طبقه کارگر جهانی و در طرف دیگر آن امپریالیسم، صهیونیسم و سرمایه داری و ارتجاع بومی قرار دارند.

رفقای عزیز

شما به پیروزیهای مهمی دست یافته اید و برگزاری همین کنگره در شرایط قدرت شما و ضعف دشمن، حاکی از این پیروزی هاست. ولی تجربه جنبش کارگری و کمونیستی از زمان کمون پاریس تا به امروز و تجربه حزب ما در ایران با صدها قربانی کمونیست نشان داده است که راه مبارزه طبقاتی مملو از خون است و دشمن طبقاتی در نخستین فرصت، بیرحمانه از طبقه کارگر و حزب کمونیستش انتقام می گیرد. دموکراتیک ترین جمهوریهای بورژوازی دشمن طبقه کارگر باقی می ماندند و

تنها رهبری حزب و تشکل طبقه کارگر و حضور آنها در عرصه مبارزه و کسب متحدین دموکرات و آزادیخواه و بسیج توده های مردم برای کسب اکثریت در عرصه مبارزه اجتماعی تضمین مناسبی است تا از هجوم ضد انقلاب جلو گیرد. از هم اکنون امپریالیسم و ارتجاع عرب تلاش می ورزند، تونس را تحت محاصره و فشار اقتصادی قرار دهند تا از این طریق راه نفوذ مجدد خویش را به تونس توجیه و هموار نماید. ما مطمئن هستیم که حزب کمونیست کارگران تونس با تجارب خویش که در طی مبارزه مخفی و در زمان انقلاب و شرکت در مبارزه توده ای کسب کرده، قادر است بر این مشکلات غلبه کند و مهر خویش را آگاهانه بر سیر تحولات دموکراتیک و انقلابی در تونس بزند.

ما برای کنگره شما پیروزی و موفقیت فراوان آرزو می کنیم.

زنده باد خلق قهرمان تونس

زنده باد طبقه کارگر انقلابی تونس

زنده باد حزب کمونیست کارگران تونس

زنده باد سوسیالیسم! زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری.

هیات مرکزی حزب کار ایران (توفان)

۲۰۱۱/۰۷/۲۱

تعقیب می کنند و آرزوی پیروزیهای بیشتر برای مردم و طبقه کارگر تونس دارند. این انقلاب دستاوردهای بزرگی داشته است. همین که امروز ما می توانیم در کنگره رسمی حزب شما در تونس بدون ترس از زندان و شکنجه و اعدام شرکت کنیم گام بزرگی در راه رهائی خلق بزرگ تونس است.

انقلاب تونس آغاز انقلاب و مبارزات گسترده دموکراتیک در بسیاری از ممالک جهان و بویژه در ممالک عربی شمال آفریقا و کشورهای اسلامی شد. امپریالیستها و صهیونیستها متحدین ارتجاعی و دست نشانده خویش را در این ممالک از دست دادند و توازن قوای طبقاتی در این مناطق به نفع خلقهای جهان تغییر کرد. برای امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع منطقه دیگر مقدور نیست چرخ تاریخ را به عقب برگردانند و همه دستاوردهای عمیق این انقلاب را نابود سازند.

انقلاب تونس بر تبلیغات ارتجاع جهانی، که مردم ممالک زیر سلطه را لایق کسب دموکراسی و زندگی بهتر و مستقل نمی دانند، خط بطلان کشید و در جهان موجی از حمایت و احترام نسبت به خلقهای عرب بویژه خلق تونس و طبقه کارگر تونس بوجود آورد.

انقلاب تونس ارتجاع عرب را وادار کرد از ترس خشم مردم به اصلاحات، برای فریب مردم دست بزند و در پاره ای از جهات عقب گرد نماید، ولی در عین حال این انقلاب نشان داد که عربستان سعودی مرکز ارتجاع سیاه در منطقه و چشم امید امپریالیست آمریکاست تا توسط قدرت مالی وی، به مهار جنبشهای انقلابی در منطقه پرداخته و حکومتهای تازه به قدرت رسیده را با امکانات مالی خویش خریداری نماید.

انقلاب تونس به حزب کمونیست کارگران تونس امکان داد تا در این نبردهای انقلابی آزموده تر شود و بتواند با طبقه کارگر تونس، ارتباط مستقیم برقرار کرده، آنها را در صفوف خود و در اتحادیه های کارگری جذب نموده، آنها را بسیج کرده و به آنها آگاهی طبقاتی بدهد. بدون حزب طبقه کارگر که ستاد فرماندهی و مغز متفکر طبقه است، امکان هیچ پیروزی و حفظ دستاوردهای انقلاب وجود ندارد.

پیروزی خلق تونس، مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک و گسترده و قهرمانانه طبقه کارگر تونس، تنها جنبه ملی ندارد، جنبه بین المللی این پیروزی انکار ناپذیر است. چشم بسیاری از نیروهای انقلابی در جهان به فعالیتهای حزب کمونیست کارگران تونس دوخته شده است. هر گونه پیروزی شما رفقا بر حیثیت جنبش مارکسیستی لنینیستی در عرصه جهانی می افزاید و از نفوذ رویونیستها در جنبش کارگری می کاهد.

حزب کمونیست کارگران تونس امروز به شاخص تعیین کننده در ارزیابی مردم جهان از

برگزاری کنگره شکوهمند...

فراملتی در تونس بدل شوند و زندگی اقتصادی تونس را با سیاست خصوصی سازیها به نابودی بکشانند. حزب با افزایش سن بازنشستگی و تعیین مزد، بی توجه به شرایط زندگی مزدبگیران و تامین حداقل شرایط معیشتی آنها مخالف است. حزب در عرصه خارجی خواهان یک سیاست مستقل ضد امپریالیستی و



ضد صهیونیستی است. آنها می خواهند که هر کس خواهان استقرار مناسبات دیپلماتیک با صهیونیستها باشد مجازات شود. آنها حامی خلق فلسطین بوده و از همبستگی خلقهای ممالک عربی حمایت می کنند. حزب کمونیست کارگران تونس تجاوز امپریالیستی ناتو به لیبی را محکوم کرد حتی اگر لباس عربی بر این تجاوز بپوشانند.

کنگره حزب کمونیست کارگران تونس با موفقیت و انتخابات هیات مرکزی جدید به پایان رسید. رفقای تونس که تجربه ۲۶ سال زندگی مخفی را دارند و از تبهکاری بورژوازی با خبرند می دانند که چه خطراتی در کمین آنها نشسته و آنها را تهدید می کنند. حزب کار ایران (توفان) به نمایندگی از جانب خلق ایران و طبقه کارگر ایران برای آنها آرزوی موفقیت و پیروزی داشت.

حزب ما موفق شد در جنب کنگره با رفقای جبهه خلق برای آزادی فلسطین گفتگو کند. در این گفتگو رفقای فلسطینی ابراز داشتند که آنها با سازمان حماس مشترکا در جبهه مقاومت همکاری دارند و بر ضد نسل کشی فلسطینیها و برای آزادی کشور فلسطین مبارزه می کنند. در پاسخ به پرسش ما در مورد مشکلاتشان در نوار غزه و سواحل رود اردن، اساسا بیان کردند که در نوار غزه از امنیت کامل برخوردارند و به فعالیتهای سیاسی خویش ادامه می دهند، ولی این بخت را در سواحل رود اردن که زیر سلطه اسرائیلیهاست بهیچوجه ندارند و مرتب در تحت تعقیبند.

حزب ما برای حزب کمونیست کارگران تونس آرزوی موفقیت و پیروزی دارد.

زنده باد حزب کمونیست کارگران تونس. تنها نماینده طبقه کارگر در تونس.

پیام حزب کار ایران...

علاقه و احساس عمیق همسرنوشتی، تحولات شمال آفریقا و همه ممالک خاور میانه را

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند

نقش آگاهی و روحیه...

کارگران و حکومت بر آنان است. سازو کاری که آنها استفاده می کنند مانند همان روشهایی است که در ممالک سرمایه داری پیشرفته تجربه شده است. همان سیاست معروف سر گرگ برای ترساندن بره ها .

وجود کارهای قراردادی و پیمانی و خیل عظیم بیکاران آماده به کار که مانند سر گرگ در پشت در کارخانه ها صف کشیده اند از یکطرف و دستمزد ناچیز و بخور و نمیر از طرف دیگر باعث شده که فکر نان شب آنها را چنان بخود مشغول کرده باشد که فرصتی برای تفکر در باره بهبود شرایط زندگی خود از راه تشکل یابی پیدا نکنند. تا زمانی که ترس از فردا و آینده وجود نداشته باشد و کارگران احساس نکنند که فردا قادر به ادامه کار و فروش نیروی کار خویش هستند، تا زمانی که میلیونها کارگر پشت درب مراکز کاری منتظر بکار گیری خود از کارفرمایان انتظار می کشند و نقش اعتصاب شکن را بازی می کنند و تا زمانی که حتما رقابت کاری در محیط کارخانه برای بقاء خود در میان کارگران وجود دارد، آنها فرصت کافی نخواهند یافت که به مسائل دیگر همچون اتحاد و تشکل عمیقانه فکر کنند و آن را در دستور کار عمده خود قرار دهند .

این سیاست تجربه شده سرمایه داری جهانی است که کارگران را به چنین فلاکتی می کشاند، و آنرا بر اساس نیاز واقعی سرمایه داری هاز به صورت قانونی در می آورد. کار قراردادی، دستمزد پائین، نیروی میلیونی بیکار، ایجاد رقابت در محیط کار، همه ابزارهایی است که با استفاده از نیروی سرکوب قوه نظامی در خدمت سرمایه داران قرار دارد و همراه با تفرقه افکنی در میان کارگران چه توسط تشکلهای خود ساخته و چه توسط دامن زدن به نفرت ملی میان خلقهای ایران از تشکل مستقل آنها جلو می گیرد. رژیم جمهوری اسلامی برای تحقق این خواست کارگران را دسته دسته، از شمول قانون کار خارج می سازد و دست کارفرمایان را در اخراج آنها بدون پذیرش هیچ گونه مسؤلیتی کاملاً باز می گذارد. این ترانامه کار رژیم را ما در اخراجهای وسیع و رشد بیکاری روزافزون، در خدمت به نظام سرمایه داری حاکم و رژیم حافظ منافع اش می بینیم که وضعیت فلاکت بار را برای کارگران فراهم آورده اند. تنها کافی است به این واقعیت که کارفرمایان در یکسری از واحدهای تولیدی حتی از پرداخت حداقل دستمزدهای نازل پذیرفته شده نیز سر باز می زنند توجه نمود تا به ابعاد باور نکردنی تعرض سرمایه داران و دولت آنها به حقوق کارگران پی برد. برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی دولت جمهوری اسلامی به این سرکوب و سیاست نیاز دارد و طبقه کارگر نیز باید درک کند که دشمن طبقاتی وی یک دشمن جهانی است.

امروز در ایران کارگران به بردگان بی مزد که حتا تا دو سال دستمزدشان را پرداخت نمی کنند، مبدل شده اند. ایران بهشت سرمایه داران است. برای تغییر این وضع کارگران به تشکل یابی نیاز دارند. بخشی از سرمایه داران رژیم گذشته می خواهند وضعیت فعلی را در ایران به گردن اسلامی بودن رژیم بگذارند در حالیکه خط مشی رژیم جمهوری اسلامی بر اساس منافع سرمایه داری جهانی حرکت می کند و فرقی نمی کند که در ایران شاه و یا شیخ بر سر کار باشد .

در جنبش دموکراتیک بورژوائی ۲۲ خرداد مشهور به جنبش سبز طبقه کارگر به مثابه طبقه از آن جدا ماند و این جنبش در تنهایی خویش نتوانست به یک جنبش اجتماعی بدل شود. علت اساسی این بی تفاوتی طبقه کارگر را باید در این دید که برای کارگران آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد خواستهای صنفی و تحقق حداقل شرایط تامین زندگی آنهاست. به مصداق "شکم گرسنه دین و ایمان ندارد" برای کارگران طرح خواستههایی مبتنی بر بهبود شرایط زندگی بیشتر بسیج کننده است تا کسب حقوق دموکراتیک عمومی .

علیرغم همه این مشکلات، در اثر اعتراضات و مبارزه کارگران، تشکلهای پراکنده مستقل کارگری در ایران تحت عناوین گوناگون بوجود آمده است و جنبش کارگری توانسته جای خویش را در عرصه سازمانهای جهانی کارگری باز کرده و برسمیت شناخته شود. در اثر این مبارزات مسائل کارگری ایران مطرح شده و ابعاد حمایتی بین المللی از مبارزات و خواسته های کارگران ایران نیز افزایش قابل توجهی یافته است. سندیکای کارگران واحد به عضویت رسمی کنفدراسیون کارگران حمل و نقل جهانی درآمده است. اگر این حمایت جهانی نبود شاید تا کنون رهبران مبارزات اتحادیه های کارگری را رژیم جمهوری اسلامی سر به نیست می کرد.

مبارزات طبقه کارگر ایران برای ایجاد اتحادیه های مستقل کارگری است. این اتحادیه های مستقل باید از حقوق کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت حمایت کنند. این اتحادیه ها تشکلهایی در مقابل اتحادیه های دولتی هستند که نقش آنها کنترل و آرام نگهداشتن طبقه کارگر است. ولی مبارزه برای تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری به معنی آن نیست که این اتحادیه ها وظیفه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت کارگری را بعهده دارند. این تصور رایج و اشتباهی است که در پاره ای نیروهای مدعی "چپ" وجود دارد. اتحادیه کارگری حزب نیست که وظیفه رهبری کسب قدرت سیاسی را داشته باشد. اتحادیه کارگری برای بهبود شرایط استثمار و نه برای نابودی استثمار مبارزه می کند. اتحادیه کارگری در عین مستقل بودن، مناسبات سامانه سرمایه داری را برسمیت می شناسد و در همان چارچوب خواهان بهبود

شرایط زندگی و تدوین قوانین به نفع کارگران و با رعایت قوانین موجود است. مخلوط کردن وظایف اتحادیه کارگری و مسئله کسب قدرت سیاسی هم به حزب طبقه کارگر و هم به اتحادیه صنفی طبقه کارگر صدمه می زند. استقلال اتحادیه کارگری سراسری تنها به مفهوم اتخاذ تصمیمات مستقل و بدون اجبار از جانب دولت و سرمایه داران است نه بیشتر و نه کمتر .

اتحادیه کارگری حزب نیست ولی فعالین کارگری حزب باید در درون اتحادیه کارگری خواستههای مناسب صنفی را طرح کرده و به کارگران نشان دهند که راه غلبه بر همه نابسامانی ها نابودی نظام استثماری است و برای این کار باید کارگران در حزب طبقه کارگر متشکل شوند. فعالین حزبی هم در عرصه سندیکائی و هم در عرصه سیاسی برای تامین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب اجتماعی مبارزه می کنند. از نظر سیاسی باید در میان عناصر آگاه طبقه کارگر حزبییت را تبلیغ کرد. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است و این وحدت بر گرد پذیرش ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم و برنامه سیاسی حزب کار ایران(توفان) امکان دارد. بدون تقویت حزبییت، بدون ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی بدون برنامه کسب قدرت سیاسی امکان پیروزی طبقه کارگر در هیچ زمینه ای وجود ندارد و حتی دستاوردهای صنفی وی نیز موقتی خواهد بود. کمونیستها باید توجه داشته باشند که اتحادیه کارگری حزب نیست. ابزاری است که کارگران که در اکثریت خویش غیر حزبی هستند توسط آن به خواستههای اقتصادی خویش می رسند. البته مکتبی برای آموزش طبقه کارگر در تجربه عملی خویش است. برخوردهای نادرست به رابطه مبارزه سندیکائی، رابطه حزب طبقه کارگر با اتحادیه های کارگری و یا درک از استقلال طبقه کارگر به انحرافات نظیر آنارکو سندیکالیسم، دشمنی با حزبییت و خلع سلاح ایدئولوژیک طبقه کارگر و چپروی در فعالیت اتحادیه های کارگر می انجامد که وظیفه حزب ما روشنگری در تمام این زمینه هاست

اصولیت انقلابی و نان بنرخ...

در این سخنان حکمتی است که تجربه قرنهای مردمی است که در سرزمین ایران و یا در عرصه گیتی زندگی کرده و از سیر حوادث آموخته و آنرا برای پرتو افکندن به راه آینده تدوین و جمع بندی نموده و به نسل بعدی ارائه کرده اند.

ما کمونیستها اگر بخواهیم آنرا به زبان علمی برگردانیم از **اصولیت انقلابی** سخن خواهیم گفت. کمونیستها موظفند از اصولیت کمونیستی در هر شرایط دفاع... ادامه در صفحه ۷

دست امپریالیستها از خاور میانه کوتاه باد

اصولیت انقلابی و نان بنرخ...

کنند و نه اینکه بر اساس وزش باد و شیوع افکار عمومی نامناسب رنگ عوض کرده همرنگ جماعت شوند و دفاع از اصولیت انقلابی را بدور افکنند. وقتی حزب ما تشخیص می دهد سخنرانی خروشچف در مورد شخصیت استالین و ساختمان سوسیالیسم در شوروی سرپایا جعلی و مملو از دروغ و تحلیلی نادرست بوده است، وقتی همان گزارش "محرمانه" نخست در خارج شوروی توسط سازمان امنیت آمریکا پخش می شود و از آن تاریخ رویزیونیستها، تروتسکیستها، اپورتونیستها، ضد انقلابیها به جعل تاریخ مشغولند و هر عمل زشت و نکوهیده که در عرصه جهان انجام می دهند آنرا به گردن رفیق استالین می گذارند، اصولیت انقلابی حکم می کند که در برابر اکاذیب و فتنه گریهای دشمن قد علم کند. ببینید چقدر مضحک است که عده ای رهبر سازمان مجاهدین خلق را که سازمانی ضد کمونیستی است متهم می کنند روشهای استالینی دارد. آقای محمد خوش چهره استاد دانشگاه در مورد اعمال نفوذ حکومت در دانشگاه و بازنشست کردن اجباری اساتید می گوید: "متأسفانه برخی می خواهند این مشکلات را با برخی روش های انحرافی استالینی حل کنند که در برخی سطوح اجرایی با ملاحظات سیاسی و جناحی بر مصالح و منافع ملی چربش دارد." حتی کار بجائی می رسد که هیتلر را هم متهم کنند که روشهای استالینی داشته است. ما از اتهامی که در این عرصه به چنگیز خان و تیمور لنگ خواهند زد سخنی از پیشگویی بر زبان نمی رانیم. آنوقت حزب ما نمی تواند با این کزدستجمعی و موج تبلیغاتی سازمانیافته بورژوازی امپریالیستی ضد انقلاب جهانی هم آوا شود، زیرا آنوقت همدست دروغگوها خواهد شد. حزب ما بوجود نیامده تا همدست و همرنگ دروغگوها شود، بلکه برای آن بوجود آمده تا با دروغهای دشمنان طبقاتی مبارزه کند. آنها که این بدیهیات را نمی فهمند، دلایل علت حضورشان در اجتماع حقیقتاً پرسش انگیز است. آنها باید نخست هویت سیاسی ایدئولوژیک خویش را روشن کنند. اصولیت انقلابی حکم می کند که حقایق را به مردم گفت حتی اگر در شرایط کنونی تناسب قوای طبقاتی صدای ما تحت الشعاع بوقهای گوش خراش امپریالیستها و رویزیونیستها و تروتسکیستها قرار گیرد. جهان در حال تحول است و وضعیت همیشه به این صورت نمی ماند. تجربه تاریخ همیشه از کسانی دفاع خواهد کرد که بر اصولیت انقلابی متکی بوده اند و مردم نیز به کسانی اعتماد خواهند کرد که به روی اعتقادات و سخنان درست اصولی خویش در شرایط مناسب و یا نامناسب پافشاری کرده اند. این نوع پافشاری از اعتقاد محکم ایدئولوژیک و صمیمیت پرولتری منشاء می گیرد. حزب ما در گذشته سیاست اصولی خویش را در رد

بورژوازی را تائید کند و بخورد مردم دهد. در این زمینه ها می توان این سیاهه را ادامه داد و نشان داد که حمایت از اصولیت انقلابی و شنا کردن بر خلاف جریان آب به چه مفهوم است. حزب ما به این جهت از اصولیت انقلابی حمایت می کند.

سرنوشت کسانی را که از این نوع اصولیت دفاع نمی کنند و یا بنا بر ماهیت طبقاتیشان نمی توانند دفاع کنند می شود پیش بینی کرد. در این میان وضع روحانیت از همه اسفناکتر است. آنها برای دروغ گفتن تئوری تقیه را دارند و برای انصراف از عمل امروز و توسل به عمل فردا که مغایر امروز است اصل معروف "مصالح اسلام" را دارند. کلید سحرآمیزی که با آن می شود کثیفترین اعمال را توجیه کرد. اگر تجاوز به عنف جرمش قتل است در خدمت منافع اسلام عزیز می توان بهر قربانی تجاوز کرد. اگر تقلب در انتخابات تقلب و عملی نکوهیده است، برای اینکه رای مردم را در نظر نمی گیرد، می توان بنام نامی "مصالح اسلام" در انتخابات تقلب کرد. اگر زیر پا گذاردن قانون عملی نادرست است و به مصداق متولی که احترام مسجد را نگاه ندارد دیگران از مسجد آبریزگاه خواهند ساخت، آنوقت قانون به زیر پای هر کس و ناکسی می رود و مورد احترام کسی نیست. اگر می شود مصونیت پارلمانی نماینده مجلس را بخاطر "مصالح اسلام" زیر پا گذاشت آنوقت در آن مجلس را هم می شود بست.

"مصلحت اسلام" وسیله و ابزاری است که می شود در هر موقع که مصلحت ایجاب کند آنرا علیه فرد یا گروهی بکار گرفت. بر اساس این "مصلحت" می توان افراد و یا گروه ها را به وسط گود آورد آنها را سرپایا آلوده کرد و به کثافت کشید و سپس مانند قابدستمال آنها را دور انداخت بطوریکه از بی آبرویی قادر نباشند آبروریزی کنند. این وضعیتی است که بر سر احمدی نژاد و گروهش درآمده است. ما در اینجا کاملاً با فقدان اصولیت انقلابی روبرو هستیم. فقدان اصولیت، تمام این "مصلحت اسلامی" را با بوقلمون صفتی شالوده ریزی کرده است. فرمانده سپاه پاسداران بدستور بیت رهبری در حمله به "جریان انحرافی" (کدامشان انحرافی نیستند-توفان) تهدید کرد: "سپاه پاسداران به عنوان ضابط قوه قضائیه، و با حکم دادستان مامور دستگیری عوامل انحرافی است". البته اینکه پاسداران برای دستگیری کسی منتظر حکم دادستان است قدمی به پیش است چون در گذشته نه چندان دور همین کار را بر اساس "مصلحت اسلام" بدون حکم دادستان انجام می داد. خمینی تا زمانیکه زنده بود سپاه پاسداران را از دخالت در امور سیاست و موضعگیری به نفع این یا آن حزب منع کرد. ولی حال خمینی مرده و سخنانش هم به فراموشی سپرده شده است و از این گذشته در مذهب شیعه سنت بر این است که فتوای... ادامه در صفحه ۸

نظریات جنبش چریکی که ناقض حزبیت و بی اعتمادی به توده مردم و بی توجهی به خیل عظیم کارگران و دهقانان بوده است، در عین تجلیل از آرمانپرستی و مبارزه انقلابی آنها، بارها بیان کرده است و تسلیم فضای تبلیغاتی ضد حزبها شده است. حزب ما همیشه روحانیت و مذهب را ارتجاعی دانسته ولی میان روحانی مترقی با روحانیت ارتجاعی تفاوت قابل بوده است و از آن دفاع کرده است. کسانی که نظریات حزب ما را دنبال می کنند می دانند که حزب ما غنی سازی اورانیوم را حق مردم و کشور ایران می داند و از حقوق ملل حمایت می کند و تلاشهای امپریالیستها و صهیونیستها را که ایران را از این حق طبیعی خود محروم کنند محکوم می نماید، حزب ما حقوق بشر را تجزیه بردار نمی داند و خواهان ارتقاء آن تا حذف مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است و هرگز چون فضای عمومی برای چند تا روشنفکر لیبرال ایرانی آماده است، حاضر نیست پشت جنایات جمهوری اسلامی سنگر بگیرد تا بر جنایات امپریالیستها و صهیونیستها در سراسر جهان چشم ببندد و حقوق بشر را گزینشی مورد دفاع قرار دهد. حزب ما مخالف استعمار است و همیشه از مبارزه ملتهای تحت ستم و مستعمرات بر ضد ستمگران حمایت کرده است. حزب ما مخالف تجاوز و اشغالگری است و چنین اعتقادی یک اصل بدیهی دموکراتیک است و باین جهت وقتی حماس و حزب اله در فلسطین و لبنان و یا خلق عراق در عراق و خلق افغانستان در افغانستان بر ضد اشغالگران برای رهائی ملی مبارزه می کنند، ما از این مبارزه سیاسی دارای ماهیت ملی حمایت می کنیم و برای طفره رفتن و حمایت از امپریالیسم و صهیونیسم خودمان را پشت دوستی جمهوری اسلامی و حماس و حزب اله و یا ایدئولوژی اسلامی این سازمانها پنهان نمی کنیم. مبارزه طبقاتی مبارزه لجاجی و کینه توزی گروهی نیست. حزب ما از دموکراسی طبقاتی و پیگیر دفاع می کند و سرکوب و نابودی ستمگران را در مبارزه انقلابی الزامی می داند و در آینده نیز از آن با تبلیغ اعمال قهر انقلابی حمایت خواهد کرد و بهمین جهت حزب ما مخالف آن است که بر اساس مد روز بر این مفاهیم پیرایه لیبرالیسم ببوشانند و آنها را در قالب کالاهای قابل فروش مانند "آزادیهای بی قید و شرط" و یا "لغو اعدام" مطابق ذائقه بورژوازی خونخوار و خونریز و استعمارگر آدمخوار ساخته و به بازار عرضه کنند. حزب ما هرگز ماهیت دموکراسی را که طبقاتی است نفی نمی کند و هرگز حاضر نیست از یک موضعگیری تاکتیکی-سیاسی و اشفاءگراانه آنها در شرایط مشخص، در مورد مفهوم اعدام بطورکلی یک تئوری پوچ و غیر طبقاتی عمومی با ابراز انزجار گوشخراش از خشونت، قهر طبقاتی را نفی کند و از لغو اعدام یک فضیلت غیر طبقاتی بسازد تا تروریسم آشکار و پنهان

تنها حکومت متکی بر مردم، پایدار است

اصولیت انقلابی و نان پرخ...

آیت اله هائی که در قید حیات نیستند از درجه اعتبار ساقط است و گرنه دکان آیت اله های بعدی بسته می شد و کلام نخستین آیت اله، حکم آیه قرآن را پیدا می کرد. بهر صورت سپاه پاسداران به بهانه "دفاع از انقلاب" و "دفاع از اسلام" وظایفی را برای خودش قایل است که دیگر حد و مرزی بر آن متصور نیست. صادق لاریجانی رئیس قوه پوشالی قضائیه در حمایت از دست اندازیهای سپاه با در دست گرفتن همان کلید سحر آمیز گفت: "این نهاد فقط یک نیروی نظامی نیست و جنجالی که برخی در دوران اصلاحات مطرح کردند که اینها نیروهای نظامی صرف هستند، برخلاف قانون اساسی است. تعبیری که در قانون اساسی برای پاسداران انقلاب آمده، تعبیری است که در آن دفاع از اسلام و مکتب اسلامی هم هست و این یک مبنای بسیار مهم در عملکرد سپاه است."

بعد از اینکه احمدی نژاد تهدید کرد که "خط قرمز وی کابینه وی است و اگر بخواهند به آنجا دست درازی کنند حتماً به کشور آسیب وارد می شود"، احمد توکلی یکی از اصولگرایان در مجلس شورای اسلامی گفت: "نه تنها خط قرمزی برای رسیدگی به اتهام رئیس جمهور، وزراء و اعضای دیگر کابینه وجود ندارد، بلکه قانون اساسی، قوه قضائیه را بالاتر از مقامات نشانده است. رئیس جمهور در صورتی که معتقد است این بازداشت ها سیاسی است، می باید برای حل اختلاف با قوه قضائیه به رهبر جمهوری اسلامی مراجعه کند، نه این که تهدید کند به مردم روی خواهد آورد و مسایل را با مردم در میان خواهد گذارد". رئیس دیوان عدالت اداری بنام محمد جعفر منتظری بیان کرد: "برای برخورد قضائی با متخلف هیچ خط قرمزی جز قانون وجود ندارد و این که گفته شود فلان مقام یا فلان نهاد خط قرمز ماست، بی معناست". یکی دیگر از ایادی خامنه ای بنام رضا اکرمی عضو جامعه روحانیت مبارز و نماینده تهران در مجلس اسلامی گفت: "چه آقای احمدی نژاد خوشش بیاید و چه خوشش نیاید، قوه قضائیه و دستگاه اطلاعاتی برحسب وظایفشان متخلفان را دستگیر خواهند کرد". همه ایادی خامنه ای بیکباره هوادار قانون اساسی جمهوری اسلامی شده اند و به اعتبار قوه قضائیه تکیه می کنند. و در عوض احمدی نژاد بیکباره می خواهد به مردم رجوع کند همان مردمی که رای آنها پیشیزی در مقابل رای ولی فقیه ارزشی ندارد. احمدی نژاد در سخنرانی خویش اشاره کرده بود که در ایران اسکله های غیر مجاز توسط سپاه پاسداران بنا شده که از طریق آنها به صورت فراقانونی برادران قاچاقچی کالا وارد ایران می کنند. این اقدام که نامش را می شود جنایتکارانه گذارد، عواقب خطرناکی بدنبال

دارد. آنها نه تنها عوارض به دولت نمی دهند، نه تنها گمرک را بیکار کرده اند، نه تنها تولیدات داخلی را نابود می کنند و موجب بسته شدن کارخانه ها می شوند، نه تنها در میان تجار بازار که متحد خودشان بودند نا آرامی و ورشکستگی ایجاد می کنند، نه تنها مفت خوری و فقدان امنیت را با خویش می آورند، با این اعمال خویش سبب می شوند که فقر دامن اجتماع را بگیرد و شکاف طبقاتی میان اکثریت مردم و مشتی مافیای در قدرت که خود را صاحب ایران دانسته و به کسی حساب پس نمی دهند افزایش یابد. ما شاهدیم که طبقات نوخاسته مافیایی ایجاد شده اند که ثروتهای افسانه ای از این راه به کف آورده اند. در کنار این خسارات اقتصادی و اجتماعی نظارت امنیتی نیز بر این اسکله ها وجود ندارد و قاچاق انسان نیز در دستور کار است. این مرزهای مافیایی محل عبور و مرور جاسوسان آمریکائی و اسرائیلی است و سازمان جاسوسی موساد به این امر اشاره کرده بود که توانسته مامورین خویش را براحتی وارد ایران و خارج از ایران بکند. دستگاههای دزد و فاقد اصولیت انقلابی را می شود با پول و رشوه خرید. احمدی نژاد وقتی می گوید "به کشور آسیب وارد می شود" معنایش این است که من مدارکی را که از شما در دست دارم رو خواهم کرد و حقایق را به مردم خواهم گفت. پرسش این است که تا کنون چرا ساکت بودی؟ آیا این سکوت نشانه همدستی با مافیای قدرت بر ضد مصالح مردم ایران نبوده است؟ بوقلمون صفتی و رنگ عوض کردن در اسلام ناب محمدی گویا حد و مرزی نمی شناسد.

از هم اکنون دعوی سختی بر سر قلب در انتخابات مجلس آینده در گرفته است. جناح خامنه ای زبان به اعتراض باز کرده که احمدی نژاد در انتخابات گذشته به "توزیع غیرقانونی پول در میان ۹ میلیون شهروندان" پرداخته است. علی اکبر اولیاء عضو کمیسیون عمران مجلس اعلام کرد که نمایندگان مجلس در "برخورد با تخلفات دولت از قانون" مصمم است و اضافه کرد: "اتفاقات ماه های اخیر، اصولگرایان و مجلس را متوجه تخلفات اطرافیان دولت کرده و زمینه را برای بررسی و برخورد با چنین تخلفاتی فراهم نموده است". این اتهامات را می توان باین شکل تنظیم کرد که دولت در انتخابات تقلب نموده است، تخلفات غیر قانونی انجام داده، به سپاه پاسداران با تعبیر خودسرانه قانون اساسی اتهام زده است، مقابل تصمیمات رهبری ایستادگی کرده است و... اکنون دارو دسته خامنه ای که بیکباره حامی اصولیت شده است، مدعی است همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند و هر تخلفی را قوه قضائیه رسیدگی کرده و گناهکاران را مجازات می کند. امروز "اصولیت" حکم می کند که به قوه مقننه و قوه

قضائیه احترام گذارد. اگر تا دیروز دستگیری افراد و پرتابشان به درون حفره های انفرادی اصولی بوده و آقای رئیس جمهور هم زیر آن را امضاء کرده است و قاضی مرتضوی را در کنار خود پرورده است، حالا نمی شود بر سر دستگیری اسفندیار رحیم مشائی و بقائی و سایر یاران رئیس جمهور دبه در آورد. اگر تا دیروز "اصولیت" حکم می کرده بی حساب و کتاب گدا پروری کرد و به مردم رشوه داد تا در انتخابات شرکت کنند و ثروتهای ملی را در راه نیت و منافع شخصی بر باد داد، امروز نمی شود با استناد به همان "اصولیت" از غارت سپاه پاسداران که راز همه دانسته ای بود انتقاد کرد و آنها را به صلابه کشید. اگر تا دیروز "اصولیت" حکم می کرد برای تصمیمات مجلس ارزشی قایل نبود و مدعی شد رای رای مردم نیست ولی فقیه بجای همه تصمیم می گیرد، امروز نمی شود به حقانیت مجلس صحنه گذارد و آنرا قوه ای در کشور دانست که رئیس جمهور حق نادیده گرفتن آنرا ندارد. همه این جناحها در زیر پا گذاردن آنچه که امروز از آن به عنوان اصول یاد می کنند شرکت فعال داشته اند. "اصولیت" آنها مصلحتی است اصولیت نیست. این است که سخنانشان نه پشتوانه معنوی دارد و نه پشتوانه مردمی. تجربه همیشه نشان داده است آنها که اصولیت را تحقیر کرده و به زیر پا گذاشته اند، خودشان نخستین قربانیان این بی توجهی بوده اند و در شرایطی قرار می گیرند که دیگر نمی توانند به آنچه از دست داده اند بیاورند و توسط آن مردم را بسیج کنند. تمام اقدامات غیر قانونی، تمام عملیات فراقانونی، تمام لگنمال کردن قانون حتی قانون خودشان، همه رشوه خواری ها و دزدیها، تقلب در انتخابات و سرکوبها و... با اطلاع هر دو جناح بوده است و مشترکاً به انجام رسیده است. هر دوی این جناحها خلافکار و ناقض اصولیت اند و طبیعتاً نمی توانند و مشروعیت ندارند متقابلاً همدیگر را به نقض اصول متهم کنند. اصول آنها همیشه مصلحتی و موقتی و منفعتی و گزینشی بوده است. وقتی یک گروه و یا جریان فکری فرصت طلبانه به نقض اصول به پردازد، دیگر قادر نیست به نقض آن توسط رقیب ایرادی بگیرد. دارو دسته خامنه ای که بیکباره اصولپرست شده اند این اصول را همیشه بر اساس "مصلحت اسلام" که در حقیقت مصلحت حکومت مافیایی باشد تفسیر می کنند. فرق کمونیستها با ضد کمونیستها، با بورژواها، با مذهبیین و همه فرقه های ایده آلیست که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را مقدس می شمارند از جمله یکی در همین است. در مبارزه اجتماعی باید بر اصولیت تکیه کرد و این احترام به اصولیت و جا انداختن آن سد بزرگی در مقابل انحرافات و یا سودجویی ها و... ادامه در صفحه ۹

زنده باد همبستگی ملی خلقهای ایران، برقرار باد جمهوریهای شوروی
سوسیالیستی در ایران

موضوع‌گیریهایی سیاسی کمیته مرکزی حزب کار را مورد تأیید قرار داد.

در این پلنوم گزارشی از شرکت هیات نمایندگی حزب کار ایران (توفان) در کنگره حزب برادرمان یعنی کنگره حزب کمونیست کارگران تونس داده شد. حزب برای رفقای حاضر در کنگره، به زبانهای مختلف پیام ارسال کرد و در کنگره شرکت نمود و در همین کنگره با رفقای یونان و فلسطین در مورد مشکلات آنها و وضعیت ایران و جنبش مارکسیستی لنینیستی به بحث پرداخت. از گفتگو با رفقای فلسطینی نمایان شد که مواضع حزب ما مواضعی انقلابی و دوراندیشانه است و مورد تأیید همه نیروهای مترقی در منطقه می باشد. نیروهای انقلابی بخوبی به ماهیت تئوریهای ارتجاعی صهیونیستی که مبارزه انقلابی خلقها را با تئوریهای ارتجاعی "دعوی دو قطب" تخطئه می کنند، واقفند و باین جهت نظریات حزب ما در نزد آنها به عنوان رفقای ایرانی از ارزش فراوانی برخوردار است.

در پلنوم در مورد مسئله ملی و تلاشهای ناسیونال شونیستیهای قومی و نقش ارتجاعی آنها بحث شد. این ناسیونال شونیستها در خدمت نظریات امپریالیستها و صهیونیستها گام زده در خدمت تجزیه ایران به نفرت ملی دامن می زنند. مبارزه با این جریانهای ناسیونال شونیستی که در پی یوگسلاویزه کردن ایران هستند از وظایف مبرم حزب ماست. حزب ما ولی به مصوبه خویش در مورد راه حل مسئله ملی در ایران، مصوب کنگره اول خود وفادار است و آنرا تبلیغ کرده و بازگو می کند و معتقد است که ستم ملی در ایران بطور عمده در مسئله زبان ملی تبلور می یابد و حق طبیعی و انسانی و دموکراتیک حکم می کند که هر ملتی با زبان مادری خویش تحصیل کند و این تناقضی با آموزش زبان مشترک ملت‌های ایران که زبان فارسی باشد، ندارد. حزب ما هوادار وحدت طبقه کارگر همه ملت‌های ایران در حزب واحد طبقه کارگر ایران است و در عین حمایت از خواسته‌های برحق خلق‌های ایران و مبارزه برای رفع ستم حمایت می کند. حزب ما مبلغ وحدت خلق‌های ایران و طبقه کارگر ایران است. حزب ما اساساً حل مسئله ملی را در دوران امپریالیسم، بخشی از مبارزه عمومی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی به حساب آورده و با کسانیکه در زیر لوای "پرچم ملی" دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم و یا همسایگان تجاوزکار دیوار به دیوار ایران هستند، مبارزه می کند. پلنوم در عین حال تأیید کرد که ستم ملی در ایران ستم یک قوم معین بر قوم دیگر نیست و از نظر تاریخ ایران هم چنین نبوده است، بلکه این ستم طبقه حاکمه است که بر همه ملت‌های ایران اعمال می شود. کسی را به اتهام فارس، ترک، کرد، بلوچ، عرب و... تحت تعقیب قرار نداده و نمی دهند، ولی هر ... ادامه در صفحه ۱۰

گرفتند. امپریالیستها تلاش کردند عناصر مخالف تجاوز امپریالیستی در جبهه مردم را خفه کنند و با جار و جنجال و دروغ و هوجبگیری عوامل خود را در بن قاضی تقویت نمایند و ثروت مردم لیبی را به غارت ببرند. این اقدامات از چشم بسیاری پنهان نماند و جبهه مبارزه دموکراتیک را با دخالت امپریالیستی منفرد گردانید. هم اکنون تجاوز امپریالیستی در لیبی به بن بست کشیده است و حتی با بی شرمی و وقاحت بی نظیر اعلام می کنند که اگر قذافی تسلیم شود دیگر اعلام جرم دادگاه کیفری جهانی در داخل خاک لیبی اعتباری ندارد. همین نمونه سخنان ارتجاعی، حاکی از آن است که احکام این دادگاه تا به چه درجه معتبر و ابزار اعمال زور امپریالیستی است. حکم دادگاهی که اعتبار آن وابسته به خلق و خوی آقای سرکوزی باشد یا نباشد خودش چقدر معتبر است؟ در یوگسلاوی با در دست داشتن چنین احکام قلابی حتی در امور داخلی یوگسلاوی سابق دخالت کرده و خواهان دستگیری این و یا آن فرد می شوند، ولی در مورد لیبی برای وا داشتن قذافی به تسلیم و شکستن روحیه مقاومت حاضرند این احکام را به سطل خاکرובה بریزند. حزب ما بر آن است که امپریالیستها در تجاوز به لیبی به بن بست رسیده اند. موج اعتراض جهانی علیه عوامفریبی آنها که در پی کشتار مردم عادی و غارت نفت لیبی و حتی تجزیه آن هستند، بلند شده است. ممالک آفریقائی به مخالفت برخاسته اند. مردم ممالک عربی به اعتراض برخاسته اند. دول عربی در تصمیمات سابق خویش منززل شده اند. چین و روسیه با ادامه تجاوز و تفسیرهای خودسرانه قطعنامه های ارتجاعی شورای امنیت مخالفتند. در میان امپریالیست‌های اروپائی و آمریکا بر سر آینده لیبی توافق نیست، حتی ایران نیز که تا دیروز به خون خواهی دائمی صادق طباطبائی که در لیبی سر به نیست شده بود بر ضد قذافی شعار می داد، بی‌کباره لحن خود را تغییر داده و فهمیده است که این از آن شترهائی است که ممکن است در خانه آنها نیز بخوابد.

اقدام تروریستی یک نژاد پرست و اسلام ستیز نروژی که محصول سالها تبلیغات دعوی دو قطب "اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکاست" ثمره خویش را ببار آورد و نشان داد که با تبلیغات صهیونیستی تا به چه حد می شود در فقدان سازمانهای قدرتمند طبقات مورد ستم، به شستشوی مغزی پرداخت. ارتجاع جهانی تلاش می کند این فرزند حلال زاده خویش را دیوانه جلوه دهد که گویا سرخود با داشتن افکار مالیخولیائی باین جنایت دست زده است. حال آنکه دست جنایتکارانه اسلام ستیزی صهیونیستی در این تبلیغات و در تبلیغات بمباران مردم نوار غزه و لبنان بدست اسرائیلیها نمایان است. حزب کار ایران (توفان) به بررسی این اوضاع پرداخت و

اصولیت انقلابی و نان پنرخ...

فرصت طلبان سیاسی ایجاد خواهد شد. بوقلمون صفات همواره فاقد اصولیت انقلابی هستند. البته کسی می تواند متکی به اصولیت انقلابی باشد که به طبقه کارگر، به توده های خلق تکیه کند و از آنها نیرو بگیرد و به این جهت در شرایط سخت فشار دشمن توانائی مقاومت داشته باشد تا از این مبارزه سربلند بیرون آید.

بفرض اگر احمدی نژاد حرمت قانون را نگاه داشته بود، اگر حرمت قوه مقننه و قضائیه را نگاه داشته بود، اگر به مردم احترام می گذاشت و حرمت آنها را به جای می آورد در مقابل دست‌رازیهای خامنه ای زبان درازی داشت و می توانست مردم را به کمک بخواند و اسناد را رو کند، ولی وی فرصت را از دست داده است، مورد نفرت عمومی است و دستش در تمام سرکوبها و در تمام عوامفریبیها رو شده است. وی بخاطر همین فقدان اصولیت و رنگ عوض کردن و هاله نورانی دور سرش و دروغهائی که گفته است قادر نیست با هیولای رهبری که زنش را به وی حرام می کند و زن همه هوادارانش را به قاضی مرتضوی در زندان کهریزک حلال می کند در بیفتد. ولی فقیه وی را در چاه زباله خواهد انداخت و کسی هم متأسف نخواهد شد. وی نتوانست رفتاری را که بخود روا نمی دارد در مورد دیگران محکوم کند.

پلنوم کمیته مرکزی...

در این مدت کوتاه از کنگره تا به امروز وقایع سوریه و تجاوز امپریالیستی ناتو به لیبی پیش آمد. نقش عربستان سعودی در منطقه در حمایت از ضد انقلاب ارتجاعی بشدت بر ملا شد و نقش امپریالیست‌های "دموکرات" که ظاهراً در کشورشان دموکراسی "نهادینه" شده است در فروش تسلیحات میلیارد دلاری تجاوزکارانه به عربستان سعودی روشن شد. حتی اسرائیل هم با فروش تسلیحات نظامی به عربستان سعودی به عنوان یک مرکز ارتجاع منطقه ای که در همه ممالک منطقه از جمله بحرین و سوریه و لبنان و مصر و تونس و... دخالت می کند، دستش رو شده است. تحریکات آنها علیه ایران است و می خواهند با فشار نفوذ خویش را در ایران گسترش داده و سلطه امپریالیسم را در منطقه بلامنازع کنند.

حزب به این نتیجه رسید که تجاوز به لیبی بخاطر مقاومتی که مردم کرده اند به بن بست رسیده است. این مقاومت در هر دو سوی لیبی انجام می شود. بسیاری از مخالفین دولت مستبد لیبی که به جبهه مقاومت و دموکراسی پیوسته بودند، با شروع تجاوز امپریالیستی و بر ملا شدن نقش تجاوزکارانه و غارتگرانه آنها، به اعتراض پرداختند و مورد تعقیب قرار

دسیسه های امپریالیستها و صهیونیستها بر ضد جنبشهای دموکراتیک در ممالک عربی محکوم است

پلنوم کمیته مرکزی...

کس را به علت مخالفت با نظام حاکم در ایران صرفنظر از ملیت و زبان وی مورد تعقیب و آزاد و اذیت قرار می دهند. این وضعیت هم در زمان شاه وجود داشت و هم در دوران جمهوری اسلامی. هیأت حاکمه و طبقه حاکمه در ایران متشکل از ملت معینی نیست، بلکه مرکب از مرتجعین همه ملل است که در این ستمگری طبقاتی نسبت به همه ملتها و ستمکشان ملتهای دیگر بیک نسبت شرکت دارند و باین جهت برای رفع ستم ملی در درجه اول سرنگونی این رژیم سرمایه داری در دستور کار قرار می گیرد و نه همدستی با بخشی از طبقه حاکمه بخاطر کسب حقوقی موهومی. باین جهت مبارزه ملی در ایران باید با مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم که خواهان تجزیه ایران هستند عجین شود تا صف ناسیونال شونیستها از نیروهای مترقی و انقلابی ملل تحت ستم جدا شود. حزب ما در این عرصه سخنان روشنی دارد که در این پلنوم بر آن تأیید شد و قرار شد در این عرصه به اقدامات مشخصی دست زده شود.

حزب در پلنوم در مورد نقش شبکه های اجتماعی به بحث پرداخت و نقش آنها را در طغیان مردم به صورت مثبت و منفی با دیدی انتقادی مورد بررسی قرار داد. از نظر حزب ما این مبارزات نظری و یا ساختن افکار عمومی و هدایت معنوی این شبکه ها یک اقدام طبقاتی است و شرکت در این مبارزه شرکت در یکی از عرصه های مبارزه طبقاتی است. حزب ما پس از تبادل نظر با رفقا و بیان نقطه نظرات حزب و تجاربی که در این عرصه، در ایران و جهان کسب شده است به اتخاذ نتایج معینی رسید.

حزب در پلنوم به وضعیت دعوای حاکمیت برخورد کرد و آنرا از جوانب مختلف مورد ارزیابی قرار داد. حزب ما بر این نظر است که ما انتخابات آینده در ایران را تحریم می کنیم. این انتخابات تحت هر نام و با شرکت هر کس و بر اساس هر سناریویی که انجام شوند ماهیتاً تقلبی خواهند بود. شرکت در انتخابات تقلبی فقط برای رژیم می تواند مشروعیت و اعتبار کسب کند.

فقط انتخاباتی آزاد است که در آن جامعه، احزاب آزاد باشند، زندانیان سیاسی وجود نداشته باشد، فعالیت اتحادیه های کارگری و سازمانهای حرفه ای آزاد باشند.

مطبوعات آزاد باشد و کسی مورد تعقیب حاکمیت قرار نگیرد. وقتی نمایندگان مجلس مصونیت پارلمانی ندارند، این نمایندگان قدرت آزاد تصمیمگیری نخواهند داشت. در مملکتی که با یک حکم حکومتی تمام تصمیمات نمایندگان مردم بی اعتبار شوند در این کشور انتخابات آزادی نمی تواند صورت گیرد. پس بهتر است این انتخابات تحریم شود و این تحریم گسترش یابد تا حاکمیت تنها بین خودش بماند و نتواند از اعتبار شرکت مردم برای خودش رنگ و لعابی تهیه کند و بخود مشروعیتی ببخشد.

حزب به بررسی وضعیت مالی خودش پرداخت که مانند همیشه غم انگیز بود. حزب ما حزبی است که با تکیه به نیروی خود پابرجاست و این راه، اصل حیات سیاسی خویش قرار داده است. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و ادامه اش حزب کار ایران (توفان) تا کنون از هیچ کشوری کمک مالی دریافت نکرده اند و همواره آن نیروهای سیاسی را که دست دراز شده اجانب بودند و با دریافت کمک مالی سیاستهای آنها را تبلیغ می کردند افساء نموده اند. حزب ما متکی بر اعضا و هواداران خودش است و تنها با تکیه بر این امکاناتی که دارد فعالیت خویش را گسترش می دهد. آتش بس به صهیونیسم و امپریالیسم دادن برای دریافت کمک مالی از آنها و سپس این خیانت ایدئولوژیک را تئوریتیزه کردن تا حقوق بازنشستگی اعضا تهیه شود کار حزب کمونیست کارگری ایران است و نه حزب کار ایران (توفان).

حزب کار ایران (توفان) پس از بررسی بسیاری جهات فعالیت خود چه از نظر گسترش تشکیلات در خارج از کشور و جلب هواداران حزب و پیدا کردن اشکال معین و مشترک فعالیت، به کار در ایران نیز پرداخت و در این عرصه ها رهنمودهایی ارائه کرد. پلنوم با موفقیت و احساس رضایت از فعالیتهای انجام شده به کار خود پایان داد.

وضعیت کارگران افغانی...

فاقد هرگونه حمایت از جانب دستگاههای حکومتی هستند که حتی از حمایت کارگران ایرانی نیز دریغ می ورزند. کارگران افغانی فاقد هرگونه امنیت بوده و

در شرایط ترس و وحشت زندگی می کنند و بهر گونه کاری تن در می دهند و این قانونی است که مهاجران افغانی را در سراسر ایران شامل می شود. به عنوان نمونه به گزارش زیر توجه کنید:

یکی از سایتهای کارگری در مورد کارگران افغانی در تاریخ ۳ تیر ۸۷ نوشت: در شهر شیراز یکی از هولناک ترین فجایع انسانی در شرف وقوع است. عمال سرمایه در این شهر به نیروی انظمایی و سرکوبگران دولتی دستور داده اند که تمامی کارگران افغانی را که در آلونک های نور اطراف زندگی می کنند از درون این آلونک ها به بیرون پرتاب کنند. عمال سرمایه همزمان به مردم شهر شیراز اخطار کرده اند که هیچ کس حق راه دادن این کارگران به خانه خود را ندارد، هیچ سکنه شهر حق ندارد هیچ اتاقی حتی در قبال دریافت اجاره به کارگر افغانی بسپارد. دولتمردان سرمایه در نهایت سنگدلی و قساوت و توحش اعلام کرده اند که تمامی کسانی که به کارگران آواره افغانی خانه یا اتوموبیل و وسیله نقلیه اجاره دهند به جریمه های سنگین و مجازات های سخت محکوم خواهند شد. جنایاتی که دولت سرمایه داری علیه این کارگران روا می دارد هیچ دست کمی از جنایات نازی ها علیه بشریت، جنایات سرمایه جهانی علیه آوارگان فلسطین یا جنایات نژادپرستان رودزیا علیه سیاهان ندارد. کارگران افغانی چندین دهه است که توسط سرمایه داران خون آشام ایرانی به سبانه ترین شکل ممکن استثمار می شوند. طول و عرض و ارتفاع سلسله جبال عظیم سرمایه هائی که این کارگران برای سرمایه داران ایرانی تولید کرده اند با هیچ رقمی قابل بیان نیست. نظام سرمایه داری اینک با این کارگران چنین می کند.

آنچه که عمال سرمایه و دولتمردان علیه کارگران افغانی انجام می دهند خوی و سرشت سرمایه است. مسئله بسیار مهم و اساسی در اینجا وظیفه ای است که بر دوش توده های کثیر کارگر مقیم شهر شیراز و سایر شهرهای اطراف سنگینی می کند. این کارگران هستند که باید بدون هیچ هراسی در حفظ جان همزنجیران افغانی خویش بکوشند. آنان هستند که باید آوارگی و بی سرپناهی کودکان افغانی را آوارگی و در به دری کودکان خود تلقی کنند. این وظیفه انسانی و طبقاتی مفروض کل کارگران ایران است که با صدای رسا و قامت استوار... ادامه در صفحه ۱۱

تجاوز به لیبی برای غارت آن کشور، حمایت از جنبش دموکراتیک مردم نیست

آموزش را گرانتر می کند و در عمل مانع از آن می شود که دختران به تحصیلات دبیرستانی و یا دانشگاهی دسترسی پیدا کنند.

توفان در توئیتر
Toufanhezbkar
 حزب کار ایران (توفان)
 در فیس بوک
Toufan HezbeKar

facebook



Name:
 Toufan HezbeKar
 Email:
 toufan@toufan.org
 Status:
 None

چرخه تحصیل بودند، نسبت این جمعیت در نقاط روستایی را این گونه بیان کرد: ۳۴ درصد پسران و ۴۲ درصد از دختران روستایی خارج از چرخه تحصیل بودند. وی توجه به آمارهای یاد شده را برای برنامه ریزی مسوولان آموزش و پرورش و جذب بودجه ضروری دانست و تصریح کرد: هر چند به نظر می رسد، مهمترین هدف وزارت آموزش و پرورش پرداختن به آموزش کودکان خارج از چرخه تحصیل است، اما با توجه به این آمارها، این وزارتخانه هم اکنون از ۳۰ درصد حداقل وظایف خود، یعنی پوشش اجباری آموزش برای همه، عقب است.

تنها سیری در این آمار نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی تا به چه حد از کار برنامه ریزی برای آینده ایران دور است. آنها به مصداق "هر آنکس که دندان دهد نان دهد" کودکان ایرانی را به حال خود رها ساخته اند. در حالیکه در ممالک پیشرفته سرمایه داری بر اساس تعداد کودکان باید مهد کودک، کودستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه همراه با کادر علمی متناسب تهیه و تدارک دید و امکانات شعلی برای آنها در سی سال آینده فراهم کرد. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در این زمینه ها تلاش لازم را به عمل نمی آورد بلکه با سیاست تفکیک جنسی هزینه

وضعیت کارگران افغانی...

به حمایت از کارگران افغانی برخیزند.

کار کودکان

نفر (۱۰ درصد) و پسران شهری به پنج هزار نفر (یک دهم درصد) می رسد.
در سال ۸۵ سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۸ ساله خارج از چرخه تحصیل بودند.

وی در ادامه در مورد آمار کودکان خارج از چرخه تحصیل نیز گفت: حدود ۲۷ درصد (حدود چهار میلیون نفر) از کودکان رده سنی یاد شده، در سال ۷۵ خارج از چرخه تحصیل قرار داشتند که این رقم در سال ۸۵ با افزایش نیم درصدی به ۲۷/۵ درصد (سه میلیون و ۶۰۰ هزار نفر) رسیده است.

به گفته مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۲۹/۳ درصد (یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) از دختران و ۲۶/۴ درصد (یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) از پسران در سال ۸۵ خارج از چرخه تحصیل قرار داشته اند.

یزدانی با بیان این که در سال ۸۵، حدود ۲۲ درصد از پسران و حدود ۲۱ درصد از دختران ساکن در نقاط شهری خارج از

توفان الکترونیکی شماره ۶۱ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند

در این شماره میخوانید:

۱- «انقلاب فرهنگی اسلامی»: سرکوب آزادی و علم و خرد ۲- اشغال نوبتی کشورهای "مزامح" ۳- لباس شخصی ها چه کسانی هستند ۴- کمونیستها و استقلال فکری طبقه کارگر ۵- ضرورت تاریخی قهر طبقاتی ۶- سرنگونی رژیم کافی نیست ۷- در حاشیه حملات نا جوانمردانه به رضا رخشان دبیر سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ۸- فراخوان حزب کار ایران (توفان) به احزاب برادر و بیش از ۵۰ تشکل کارگری و دمکراتیک برای اعتراض به دستگیری و شکنجه شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری در ایران ۹- شکنجه شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری در ایران ۱۰- جنایت در نروژ ادامه منطقی سیاست اسلام ستیزی و قرآن سوزی ۱۱- طرح تفکیک جنسیتی، مساله حجاب و تشدید فشار بر زنان

توفان الکترونیکی

اوت ۲۰۱۱

مرداد ماه ۱۳۹۰

شماره ۶۱

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین

کار کودکان

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان با استناد به آمارهای منتشر شده سال ۸۵ توسط مرکز آمار ایران اعلام کرد: از مجموع ۱۳ میلیون و ۲۵۳ هزار کودک رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال کشور در سال ۸۵، سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک به صورت مستقیم درگیر کار بودند.

فرشید یزدانی در گفت و گو با ایسنا در تاریخ ۳۱ تیر ۸۷؛ ضمن اعلام این خبر که آن را هشدار جدی برای مسئولان بالاخص مدیران وزارت آموزش و پرورش دانست، در مورد افزایش جمعیت کودکان کار نسبت به سال ۷۵، گفت: در سال ۷۵، حدود ۱۱ درصد از کودکان ۱۰ تا ۱۸ سال کشور جزو کودکان کار بودند که این رقم با افزایش، به ۱۲/۷ درصد (یک میلیون و ۶۶۰ هزار نفر) در سال ۸۵ رسیده است. این در حالیست که تعداد کودکان این رده سنی، نسبت به سال ۷۵ کاهش یافته است.

به گفته وی، نسبت کودکان کار در نقاط شهری و روستایی متفاوت بوده است، به طوری که ۹/۶ درصد (۸۳۰ هزار کودک) آن‌ها، شهری و ۱۸/۳ درصد (۸۵۰ هزار کودک) روستایی بودند و این آمار با تعداد کودکان خارج از چرخه تحصیلی در نقاط شهری و روستایی همخوانی دارد.

ازدواج زود هنگام از دلایل عمده خندهدار شدن کودکان است.

مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان افزود: علاوه بر وجود یک میلیون و ۶۰۰ هزار کودک کار در کشور، ۹۱۵ هزار کودک با عنوان «کودک خندهدار» توسط مرکز آمار ایران ثبت شده است که حدود ۹۰۴ هزار نفر از آن‌ها را دختران و مابقی را پسران تشکیل می‌دهند.

وی با اذعان به این که عمده کودکان خندهدار، کودکانی هستند که به دلیل ازدواج زودهنگام، خندهدار شده‌اند، تاکید کرد: عده دیگری از این کودکان را کودکان بازمانده از تحصیل تشکیل می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت در مجموع حدود دو میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در کشور مشغول کار هستند.

یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از کودکان کار پسر هستند.

یزدانی با تفکیک نسبت جنسیتی یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک کار کشور به ایسنا، گفت: ۱۹/۳ درصد آن‌ها پسر (یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) و ۵/۸ درصد (۳۷۰ هزار نفر) را دختران ۱۰ تا ۱۸ سال تشکیل می‌دهند.

مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان در مورد نسبت کودکان کار پسر به دختر در رده سنی ذکر شده و در نقاط شهری و روستایی خاطر نشان کرد: ۱۵/۴ درصد (۶۷۴ هزار نفر) از پسران و ۳/۶ درصد دختران (۱۵۰ هزار نفر) در شهرها زندگی می‌کنند. وی در ادامه در تشریح نسبت تعداد کودکان کار پسر و دختر ساکن در روستاها، افزود: از مجموع کودک کار ساکن در روستاها، ۶۲۷ هزار نفر (۲۶/۵ درصد) از پسران و حدود ۲۲۰ هزار نفر از کودکان کار دختر (۱۰ درصد) در روستاها بسر می‌برند. یزدانی در مورد تعداد کودکان خندهدار شهری و روستایی نیز گفت: ۲۱ درصد (۴۷۳ هزار نفر) از دختران و دو دهم درصد (پنج هزار و ۵۰۰ نفر) از پسران روستایی که در رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال قرار دارند، در زمره کودکان خندهدار به شمار می‌روند که این جمعیت در میان کودکان دختر شهری به ۴۲۸ هزار ... ادامه در صفحه ۱۱

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 137 Aug. 2011

وضعیت کارگران

افغانی در ایران

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

پس از اشغال افغانستان توسط نیروهای استعمارگر سیل مهاجرین افغانی به ایران آغاز شد. افغانها فاقد حقوق در ایرانند. آنها باید در شرایط غیر انسانی کار کنند. در اردوگاهها بسر برند، کار آنها کار سیاه است. کودکان بی سرپرست افغانی خیابانهای شهرهای ایران را پر کرده اند و از این وضعیت غیر انسانی رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران ایرانی برای نیات شوم اقتصادی و سیاسی خویش سود می جویند.

ایجاد تبعیض نسبت به کارگران افغانی و سرکوب کردن و پایمالی حقوق آنها در سراسر ایران امری رایج است. کارگران... ادامه در صفحه ۱۰

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظرمدای و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هرچند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزافست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany